

توضیح اجمالی:

با توجه به نیاز کشور به واردات کالا از یک سو و تحریم مالی و درآمدهای نفتی کشور از سوی دیگر مهمترین بخش از محدودیت های تجاری را می توان نحوه تامین مالی واردات و روش های تامین ارز آن دانست که مهمترین متغیر تاثیرگذار بر واردات است. بدین منظور پس از محدودیت عرضه ارز از تاریخ ۱۳۹۱/۷/۳ «مرکز مبادلات ارزی» شروع به کار کرد.

نکات کلیدی:

۱. مقرر شد نرخ ارز مبادله ای در مرکز بصورت روزانه از سوی بانک مرکزی و به میزان دو درصد کمتر از قیمت بازار آزاد تعیین شود؛ اما هیچ گاه عملیاتی نشد و قیمت ها در مرکز مبادلات ارزی سرکوب شدند. بخش خصوصی هم متوجه شد دولت ارز کافی برای تحقق وعده های ارزی خود ندارد.

۲. مرکز مبادلات ارزی از تاریخ ۱۳۹۱/۷/۳ تا ۱۳۹۲/۱۰/۶ مجموعاً ۳۲/۳ میلیارد دلار ارز به اولویت های کالایی اختصاص داد. بیشترین رقم تخصیصی، در یک برگه ثبت سفارش، مربوط به بانک های پاسارگاد (۲۴۶ میلیون دلار مربوط به شرکت سرمایه گذاری شهر آتیه)، ملی (۱۰۱ میلیون دلار مرتبط با سازمان مهندسی و عمران شهر تهران) و بانک مرکزی (۹۶ میلیون دلار مرتبط با وزارت امور اقتصادی و دارائی) است. این نکته شاید بتواند بر این ادعا صحنه بگذارد که مرکز مبادلات در تخصیص بهینه براساس ضوابط وارداتی بخش خصوصی عمل نکرد.

۳. بیش از ۷۰ درصد از کل واردات رسمی کشور در مرکز مبادلات ارزی تامین ارز می شد که از محل ارزهای در اختیار دولت و بانک مرکزی صورت می گرفت. این امر نشان می دهد که تامین مالی واردات از محل ارزهای بخش خصوصی چندان موفق نبوده است؛ چراکه عرضه ارز در مرکز مبادلات باید از سه محل وزارت نفت، صندوق توسعه ملی و صادرات غیرنفتی تامین می شد. با این حال، در عمل توفیق چندانانی در عرضه ارز به وجود نیامد و بانک مرکزی بیشتر از منابع در اختیار به عرضه ارز روی آورد. بخش نامه دولت در ارایه مشوق به صادرکنندگانی که در مرکز مبادلات عرضه ارز داشته باشند هم در عمل موفق نبود.

۴. از مجموع ۳۲/۳ میلیارد دلار تخصیص داده شده در دوره ۱۳۹۱/۷/۳ تا ۱۳۹۲/۱۰/۶، بانک های سامان، پاسارگاد و پارسیمان به ترتیب با سهم ۲۰/۲، ۱۳/۸ و ۱۲/۷ درصد بیشترین سهم را در فروش ارز مبادلاتی داشته اند. همچنین ارزهای یورو، روپیه، وون و یوان به ترتیب با سهم ۴۷/۸۳، ۱۶/۳۳، ۱۲/۴۴ و ۱۲/۱۹ درصد از کل ارزش دلاری اسمی ارزهای مبادله ای تخصیصی بیشترین سهم را در میان آنها به خود اختصاص داده اند. بنابراین، تمرکز در مبادی واردات، تامین مالی واردات را بر چند ارز متمرکز می کند.

۵. علی رغم وجود محدودیت های ناشی از روابط کارگزاری بانکی و نقل و انتقالات وجوه، یکی از اقدامات بانک مرکزی، تامین ارز برخی از تقاضاهای مرتبط با بخش خدمات است؛ این امر بخشی از تقاضای ارز در بازار آزاد را کاهش و آثار آن بر نرخ ارز آزاد را مهار کرد.

۶. نقاط ضعف در عملکرد مرکز مبادلات را می‌توان به شرح زیر ارایه کرد:

- تاخیر در راه‌اندازی مرکز مبادلات
- پایبند نبودن شرکت‌های دولتی وابسته به وزارت نفت و صندوق توسعه ملی به عرضه ارز در مرکز
- فقدان ملاک‌های شناسایی در شرایط یکسان (اگر n نفر همزمان برای دریافت ارز کالایی، در اولویت اول مراجعه کنند چه کسی می‌تواند ارز دریافت کند؟ نبود فرایندهای مکملی در مرکز مبادلات در این خصوص دو مشکل اساسی را ایجاد کرد: ۱. ایجاد رانت برای قرار گرفتن در فهرست دریافت ارز و افزایش سوءاستفاده‌های احتمالی و ۲. سوق دادن نیازمندان واقعی ارز به بازارهای غیررسمی. این موارد خود بر افزایش شکاف نرخ ارز بازار آزاد و رسمی افزوده است)
- ایجاد وقفه در تامین ارزهای پرمقاضی (ضمن آنکه با حذف دلار، تامین ارزها با مشکل بیشتری روبرو شد؛ چراکه از یکسو بخشی از تقاضاهای بازار را به سایر ارزها منتقل می‌کرد و بر قیمت آن‌ها در بازار آزاد افزود و از سوی دیگر، یورو به مهم‌ترین ارز مورد تقاضا در مرکز تبدیل و تامین آن با توجه به تحریم اتحادیه اروپا با مشکل بیشتری روبرو شد)
- دشواری زمانبندی در فرایند دریافت ارز (هم تاخیری حدود سه ماهه در تامین و تخصیص ارز و هم محدودیت‌های تامین ریال با نرخ‌های ۱۳۰ درصد)؛
- فقدان نظام انتقال ارز در مرکز.

تأیید رئیس موسسه:

تأیید رئیس گروه مشاوران: